

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله برج قربان همدان)

سیده مهسا احرار*، بهاره رادفر**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۱۵

چکیده

تعاملات اجتماعی یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فضاهای شهری موفق می‌باشد. محلات شهری به دلیل نقشی که در زندگی و مناسبات اولیه مردم ایفا می‌کنند. از اهمیت خاصی در ایجاد روابط اجتماعی برخوردارند. امروزه توسعه و برنامه‌ریزی بر مبنای محلات شهر در مرکز توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار دارد این امر مستلزم درک نیازها و خواسته‌های شهروندان از محیط زندگی‌شان است. در

مقاله حاضر روابط اجتماعی میان ساکنان محله که با افراد بیرون از محله نیز در تماس هستند، موردن توجه قرار می‌گیرد.

این مقاله میزان سطح تعامل اجتماعی بین ساکنین محله برج قربان را موردن بررسی قرار می‌دهد و شاخص‌های میزان تعامل اجتماعی را برای این محله بازگو می‌کند. در ابتدا با انجام مطالعات میدانی بر روی نمونه موردی بافت اجتماعی و روابط میان ساکنان بررسی می‌شود. آزمون و بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از آماره استیویندنت (t)، همبستگی و رگرسیون صورت گرفته و سپس با طرح ریزی مناسب سعی می‌شود تا فضای موردنیاز برای شکل گرفتن روابط و تعاملات اجتماعی در محله ارائه شود.

واژگان کلیدی

تعاملات اجتماعی، فضاهای شهری، روابط اجتماعی، محلات شهری

Email: m_ahghar@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

Email: ba.radfar@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

مقدمه

انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل با همنوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند رشد فراینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی، کمرنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی و درمجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود. از این نظر، استفاده و تخصیص فضاهای عمومی مسئله‌ای است که باید در مطالعات زندگی روزانه کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند موربررسی قرار گیرد. در دیدگاه صاحب‌نظران، فضاهای عمومی به عنوان مکان‌هایی باز و قابل دسترس تعریف می‌شوند.

بدین خاطر که محله پس از خانه مکانی است که فرد، بیشترین برخورد و رفت‌وآمد را در سطح آن دارد، فضاهای عمومی عنصر مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در میان ساکنان آن است. از آنجاکه در گذشته محلات نقش گسترده و عمده‌ای در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی ایفا می‌کردند؛ لذا با خلق مجموعه‌ای مرکز از عملکردهای خدمات شهری همساز و یا مکمل یکدیگر می‌توان به وسیله جذابیت‌های عرصه جمعی آن، مردم را به سمت فضا سوق داد در این صورت با مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان، درنهایت تصمیم‌گیری‌های محله به خود آن‌ها واگذارشده تا همراه با تقویت کنش و تعاملات اجتماعی، احساس تعلق بیشتری به محله خود پیدا کنند.

در این تحقیق، محله برج قربان واقع در جنوب شرقی شهر همدان انتخاب شده است. از ویژگی‌های این محله دارا بودن بافت سنتی می‌باشد که مرکز محله قدیم آن همچنان نقش خود را به عنوان مرکز خدمات رسانی ایفا می‌کند. ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی به جای مانده از گذشته‌های دور از یکسو و قرارگیری این محله در مجاورت سایت گردشگری برج قربان از سویی دیگر، سبب بروز و ظهرور الگوهای رفتاری متمایز در رفتارهای اجتماعی شده است. این ویژگی‌های منحصر به فرد، محله برج قربان را گزینه‌ی مناسبی جهت بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقاء تعاملات اجتماعی تشکیل داده است. نهایتاً سعی بر آن بوده تا با در نظر گرفتن نظرات ساکنان با پرسشنامه‌ای که بر مبنای مبانی نظری تحقیق، طرح و ساخته شد، خواسته‌های ساکنین را در ارتباط با نقش بنایی عمومی، ساماندهی مرکز محله و فضای باز آن مدنظر قرار داده و عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی را شناسایی کنیم.

پیشینه تحقیق

رفعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی را از اثرگذارترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کنند. الیاس زاده مقدم و ضابطیان (۱۳۸۹) به بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع‌پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضاهای عمومی- شهری دارد. در مطالعاتی درزمینه سوتای شمالی که برای سنجش کیفیت محیط‌های مسکونی انجام شده است، سه مؤلفه حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته‌اند. قربان و جعفری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی به سنجش این عوامل در محله درکه تهران پرداختند. کاشانی جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، این فضاهای را به عنوان مکان سوم که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده مداری و تأثیرات محیطی- رفتاری فضاهای شهری و در دوران اخیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیستمحیطی- پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌داند. معمار (۱۳۹۰) در مقاله تحت عنوان تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای به تحلیل این عوامل در محلات مسکونی شهر اصفهان می‌پردازد.

فرضیات

- ۱- تعامل اجتماعی در این محله در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد.
- ۲- وضعیت امکانات رفاهی در سطح مناسبی قرار ندارد.
- ۳- بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- امکانات رفاهی توان افزایش تعامل اجتماعی ساکنین را دارد.

اهداف

۱. شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی؛
۲. سنجش سطح تعامل بین ساکنین و موانع تعامل اجتماعی بین افراد؛
۳. بررسی رضایت ساکنین از امکانات در سطح محله به عنوان یک محله تاریخی؛

سؤالات

۱. میزان تعامل اجتماعی در محله در چه سطحی است و چه موانعی برای تعامل اجتماعی بیشتر بر سر راه شهروندان محله وجود دارد؟
۲. عوامل بر مؤثر تعامل اجتماعی چیست؟
۳. میزان رضایت ساکنین از امکانات محله تا چه اندازه می‌باشد؟

مبانی نظری

تعاملات و ارتباطات اجتماعی

کارهای عادی زندگی روزانه که انسان را در کنش متقابل چهره به چهره و کم و بیش دائمی با دیگران درگیر می‌کند، قسمت اعظم فعالیتهای اجتماعی او را تشکیل می‌دهند. در حیطه روابط اجتماعی است که فرد خود را نه تنها در مقابل افراد دیگر، بلکه در سیطره روابط میان این افراد می‌آزماید و دائماً در تعامل با دیگران است که توانایی‌های خود را می‌شناسد، به خلق معانی می‌پردازد و هویت خود را می‌سازد.

تعاملات اجتماعی ساکنان در محلات مسکونی: تعاملات همسایه‌ها می‌تواند میزان رفتارهای اجتماعی انجام‌شده توسط ساکنین محله تعریف شود. این تعاملات می‌تواند رسمی و باقاعدۀ و گاه بیگانه و غیررسمی و اتفاقی رخ دهد. نیاز برای تعامل با دیگران یک امر طبیعی و ضروری برای یک زندگی سالم است (غفوریان و حصاری، ۱۳۹۳). فضاهای عمومی شهری به دلیل وجود یک یا چند کالبدی و فضایی، برای ایجاد مناسبات چهره به چهره، تجربه مشترک فضا، رابطه انسانی با کالبد شهری و برگزاری فعالیت‌های جمعی و عمومی شهروندان مناسب و کارآمدند. شرط لازم برای شکل‌گیری یک فضای عمومی شهری، کالبد مناسب است؛ اما شرط کافی به مجموعه‌ای از شرایط و مناسبات پیچیده انسانی، رفتارها و عوامل روانی بستگی دارد که شناسایی آن‌ها بسیار دشوار است (مسعودی، ۱۳۸۷). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ساختار محیط محله و طراحی فیزیکی آن می‌تواند در بهبود این روابط مؤثر باشد. البته این نکته شایان ذکر است که مدت‌زمان سکونت رابطه مستقیم و مثبتی با درجه تعاملات و پیوستگی اجتماعی دارد؛ زیرا مدت ماندگاری در یک همسایگی باعث می‌شود تا فرصت بیشتری برای آشنایی ساکنین با یکدیگر و بالا رفتن درجه تعامل اجتماعی آن‌ها داشته باشد (غفوریان و حصاری، ۱۳۹۳).

چایگاه تعاملات اجتماعی: سکونت‌گاه‌های شهری قبل از مدرنیسم فضاهای عمومی مانند میدان‌های شهری و بازارها به عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و در حقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل و افعال اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان می‌ساختند قلمداد می‌شده‌اند. علاوه بر این، این فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک می‌کرده و باعث افزایش حس همیستگی و تعلق در مردم می‌شوند. در حقیقت این فضاهای فراتر از مکانی صرفاً برای حضور منفعانه هستند با تفکیک قائل شدن بین فضاهای عمومی و فضای شهری تنها آن دسته از فضاهای که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجه‌ای بالاتر و به عنوان فضاهای شهری ارزیابی می‌کند.

در مطالعه‌ای که بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند این عوامل عبارتند از دسترسی و بهم‌پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری‌ها و فعالیت‌ها، اجتماع‌پذیری (قبران و جعفری، ۱۳۹۳). همچنین حنا آرنت فضا را در

دو معنا فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمروی عمومی سیاست و همین‌طور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. همانهنجی مردم و اشیا در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به‌واسطه اشیا شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنت درباره فضای عمومی آمده است پاول زوکر میدان حوزه عمومی را عامل تبدیل جامعه به اجتماع و نه صرفاً محل تجمعی از افراد می‌داند. جین جیکوبز پیاده‌روها را عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی می‌داند ویلیام وايت بر نقش اجتماعی فضاهای شهری تأکید می‌کند. یان گل فعالیت‌های قیل انجام در فضاهای شهری را به سه دسته ضروری، انتخابی و اجتماعی تقسیم می‌کند که از این میان نقش دسته‌های دوم به و بهویژه سوم را در کیفیتبخشی به فضاهای شهری ممتاز می‌داند. اولدنبرگ عرصه‌های عمومی شهرها را به عنوان مکان سوم (خانه و محل کار را مکان اول و دوم می‌داند) تعریف می‌کند. کلر کوپر مارکوس فضاهای شهری را در هفت سطح معرفی می‌کند تأکید اصلی وی فضاهای شهری و مردمی که در آن قرار دارند می‌باشد. در کتاب مکان‌های مردمی او و همکارانش به ارزیابی محیط سکونتی می‌پردازند و فضاهای شهری را بهویژه از منظر ایجاد ارتباطات اجتماعی در هفت گروه دسته‌بندی می‌کنند: پلازاهاي شهری، پارک محله‌ای (واحد همسایگی)، پارک‌های جمع‌وجور، فضاهای باز مدارس، فضای باز مسکونی ویژه سالمدان، فضای باز ویژه نگهداری و بازی کودکان، فضاهای باز درمانی. این رویکرد مرتبط با تقویت تعاملات اجتماعی مربوط به دوره دوم از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی می‌باشد که پیش‌تر به آن اشاره شد (کاشانی جو، ۱۳۸۹).

بدون تردید محله به عنوان یکی از عرصه‌های فضاهای شهری قابلیت تولید بستر مناسب جهت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را دارد می‌باشد. محله تبلور کالبدی اجتماع و مزهای آن تبلور حریم‌ها و قلمروهای است توجه به بعد اجتماعی محله، قلمروهای اجتماعی و غیر کالبدی و ایجاد عناصر کالبدی که بتوانند مزهای قلمروی اجتماعی را هرچه بیشتر مهیا سازد می‌تواند به سازماندهی بیشتر کنش‌های متقابل و تعاملات اجتماعی منجر شود. احیای مراکز محله‌ای با هویت از نیازهای اجتماعی یک شهر است و برای جذب مردم به فضای اجتماعی محله باید شاخص‌های امنیتی، دسترسی نظارت و برگزاری مراسم مذهبی‌ملی و باستانی با ماهیت جمعی در فضاهای عمومی در کنار احداث فرهنگسراها، کافی‌شایپها و کافی‌نوت‌ها را دارا باشد (قبربان و جعفری، ۱۳۹۳).

عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی: افراد بر اساس منافع خود ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات هنجارها و نقش‌های معین خود به آن می‌پردازن؛ بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن دران است در این راستا حتی ممکن است افراد در جست‌وجوی مکان‌هایی که دران افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند بشناسند؛ اما با آنکه همگن بودن افراد مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیک و اجتماعی و درنتیجه ارتقای دل‌بستگی به آن مکان است. در عین حال مکان‌های اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند. درواقع فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد پس از انعقاد اولیه تعامل اجتماعی تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتار متعدد است، خود زمین ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد.

حوزه عمومی فضایی است که در آن فرد به بیان خویش در ارتباط با دیگری می‌پردازد. ویژگی این حوزه جمع شدن اشخاص خصوصی گرد هم و بحث در مورد علایق عمومی است؛ لذا این پدیده اجتماعی بایستی در دسترس تمام شهروندان باشد (مسعودی، ۱۳۸۷). Gehl (۲۰۰۳) به ابعاد انسانی فضاهای عمومی توجه کرده و آن را عامل حضور مشتاقانه مردم و مشارکت آنان می‌داند. لنارد (۱۹۸۴) دو عامل کالبد و پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی را از عوامل تأثیرگذار در حضور و تعامل اجتماعی افراد می‌داند که در ارتفاع حس تعلق به مکان نیز مؤثر است. دانشپور به شناخت فضا و ابعاد مختلف فضای عمومی پرداخته بهره‌گیری از توانهای اجتماعی آن و ارتقاء فرصت‌های مشارکت در حیات جمعی را در خلق یک فضای عمومی موفق مؤثر می‌داند. Kaplan (۱۹۹۸) کیفیات کالبدی یک فضای عمومی را مدیون وجود عناصر طبیعی دانسته که منجر به افزایش هیجان و سرزندگی محیط، امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌شود. Whyte (۱۹۸۰) عوامل تأثیرگذار در ارتقا جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان‌ها، پله‌ها، آبنامها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل می‌داند. پاکزاد تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تابسبات، انعطاف‌پذیری، فرم، هندسه مصالح، مخصوصیت، بدنها، پیوستگی کالبدی و فضایی را بر ادراک انسان مؤثر می‌داند. pps که نهادی است که برنامه‌ریزی برای فضاهای عمومی را موردنحقیق قرار می‌دهد فرستاد جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر

در فضای فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل ایستگاه اتوبوس، زمین‌بازی، مکان غذا خوردن و... ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم به درون فضای خوانایی و وضوح فضایی، کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده، تعریف بدنها و هویت جداره‌ها، ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری و پیش‌بینی فعالیت‌های حاذب را از عوامل مؤثر در پاسخگویی فضاهای عمومی به نحو مطلوب می‌داند.

تأمین نیز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی شهری بیشترین طرفیت را در این رابطه دارند. جو آرام وجود عوامل طبیعی، حریم فضای و کنترل وسایل نقلیه از آنجاکه تأمین کننده نیاز انسان به استراحت داشتن می‌باشدند، مؤثرند. نیاز انسان مبتنی بر تماس مستقیم با محیط بیانگر تجربه مستقیم فضای مردم و فعالیت‌های اجتماعی چون تعامل با آشنايان، گردهمایي، قدم زدن، بازي، تفریح و در کنار آن ورزش، فعالیت‌های جسمی، امکان رقابت و... می‌باشد که در ایجاد تصویر ذهنی مطلوب افراد از رفاه، پویایی و هیجان، کسب تجارب جدید و آموزش محیطی، نقش مستقیم دارد. از دیگر نیازها فراهم بودن امکان مشاهده و نظارت دیگران و اتفاقات و رویدادهای پیرامون که یکی از عوامل تعیین‌کننده در میزان پاسخگو بودن فضاست در کنار آن نیاز انسان به پیچیدگی و امکان کشف فضای تواند توسط خلق فضاهای و منظرهای متنوع، فعالیت‌های گوناگون باهدف تأمین نوع، جاذبه و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدید کنندگان از فضای وجود آید، نیاز به امنیت با عواملی چون رؤیت پذیری فضای امکان ادراک محیط، ایجاد تصور از مکان و ارزش‌های زیبایی شناسانه مکان و نهایتاً کنترل مکان با استفاده از اشکال مختلف مکانیکی و طبیعی قابل تأمین است (قبران و جعفری، ۱۳۹۳).

آموس راپورت از بر جسته‌ترین نظریه‌پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه نشان داده است او با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفی موقعیت انفعای انسان در فضای شهری پرداخته و حرکت در محیط را مهم‌ترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می‌داند. جان لنگ نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط پرداخته است. او در اثر خود تحت عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضای و عوامل محیطی تأثیرگذار به این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را درواقع نوعی طرح‌واره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شهر شکل می‌بخشد (کاشانی جو، ۱۳۸۹).

لنگ در کتاب آفرینش‌های نظری می‌گوید که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم می‌کنند. رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است که دلیل بر مطلوب بودن تعامل اجتماعی است؛ لذا هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کنند که کساندر ملاقات گاه به گاه و غیررسمی را زمینه توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم دانسته است. تعامل اجتماعی، نگرش افراد را با پیشینه ذهنی و ویژگی‌های متفاوت به یکدیگر نزدیک می‌کند (قبران و جعفری، ۱۳۹۳).

نیازهای اجتماعی اجتماع محلی

نیاز به ایمنی و امنیت: در توسعه محله‌ای نیز امنیت رکن اساسی است. نظام بخشی در مناسبات محله‌ای و سازمان‌دهی امکانات جهت بهره‌گیری جمعی برای استفاده همگان نیازمند تأمین امنیت درونی محله‌های شهری است. مراد از امنیت اجتماعی این است که هر فردی در محل زندگی خود و اجتماع محلی احساس آرامش و آسایش کند و با اطمینان خاطر و به دوراز نگرانی مشغول زندگی خود باشد. وجود امنیت در محله موجب حفظ حریم زندگی خانوادگی و رهایی از خطرات و تهدیدهایی است که ساکنان محلات را تهدید می‌کند و زمینه برخورداری از فرست‌ها و امکانات محله‌ای به شکل منطقی و صحیح را فراهم می‌کند (معمار، ۱۳۹۰).

نیاز به تعاملات اجتماعی: زندگی سرزنده و پویا در سطح اجتماع محلی، به میزان و شدت روابط اجتماعی میان ساکنان بستگی دارد. همخوانی و هم‌آوایی میان اهالی بر میزان ارضی نیازهای روانی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. کساندر بر این عقیده است که روابط صمیمانه احساس اجتماع محلی را افزایش می‌دهد. چنین روابطی دو شرط لازم دارد، نخست تماس در سطح غیررسمی برقرار شود، دوم این روابط به طور مداوم تکرار شود و به صورت روزانه انجام گیرد. اجتماع محلی فرستی برای برخوردهای اجتماعی غیررسمی، گفتگو و تعامل میان ساکنان است (معمار، ۱۳۹۰).

نیاز به تعلق به محله (هویت محله‌ای): احساس تعلق به محله عنصر اصلی شکل بخشی به اجتماع محله‌ای است. هویت محله‌ای به معنای احساس تعلق به یک مای مشترک است. این مای تواند محله، موقعیت، مذهب و غیره باشد. محله یک اجتماع همسایگی است. در اجتماع دو خصلت پیوند و رابطه عاطفی نقش عمده دارند. شناخت پیوندهای میان افراد در اجتماع همسایگی از

جمله ابعادی است که باید به آن توجه خاص داشت. ازین‌رو، توجه به مفهوم همسایگی یکی از راهکارهای پاسخ‌گویی به نیاز به وابستگی و تعلق است. در این بعد، به سؤالاتی چون آیا افراد یک محله نسبت به یکدیگر احساس تعلق و تعهد دارند مطرح می‌شود. احساس تعلق به محله بر رفتار و نگرش ساکنان تأثیر دارد. جامعه شناسان معمولاً برای سنجش احساس هویت محله‌ای از شاخص‌های زیر مدد می‌گیرند: مردم چقدر درباره محله‌شان اطلاعات دارند؟ مرازهای محله کدام است؟ نام محله چیست؟ اضای محله چه احساسی درباره مکان زندگی‌شان دارند؟ آیا از خدمات محله راضی هستند؟

ایجاد حس هویت محله‌ای با به‌کارگیری عوامل هویت‌دهنده و ایجاد علاقه در بین ساکنان جدید نسبت به محله، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه، تأمین فضاهای مناسب جهت برگزاری اجتماعات و ایجاد نزدیکی و پیوند بین اهالی در قالب فضاهای باز محله‌ای می‌تواند ذیل برنامه‌های بازسازی محلات قرار گیرد. طراحی برای ساکنان محله در جهت رؤیت در فضا و قابلیت انعطاف بافت محله در مقابل تغییرات اینده نقش مهمی در ایجاد هویت محله‌ای دارد. مجموعه‌های باز و قابل دسترسی و دارای پیوند با مجموعه‌های دیگر مانند فضاهای آموزشی، ورزشی، تفریحی، مذهبی و فرهنگی در مقیاس محلی هویت بخشی به محله را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، وحدت ظاهری و یکپارچگی و انسجام در بافت و ساختار کلی محلات، انسجام اجتماعی در محله را فراهم می‌کند (معمار، ۱۳۹۰).

نیاز به مشارکت در اداره محله: نیاز به احترام و خود شکوفایی در سطح اجتماعی محله از طریق مشارکت فعال مردم برآورده می‌شود. مشارکت مردم در امور محلی متاثر از نیاز آنان به تعلق و احترام و خود شکوفایی است. انسان خودشکوفا سعی در تغییر قابلیت‌های محیطی برای رفع نیازهای خویش دارد و از نظر اجتماعی روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر دارد. ازین‌رو، مردم هر اجتماع محلی می‌توانند با مشارکت یکدیگر در سطوح مختلف نیازهای خویش را برطرف کنند.

در سطح اجتماعی، توسعه محله‌ای نیازمند ملاقات عمومی مردم و مسئولان و پژوهش در مورد مسائل آن‌ها از طریق مشاوران و درخواست از آنان جهت مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی است. تداوم و بقای محله بر مبنای مشارکت داوطلبانه و خودبیانه ساکنان در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی محله امکان‌پذیر است. این مشارکت نیازمند اقدامات فعال شهروندان و مشارکت داوطلبانه مردم برای حل مشکلات محله به صورت جمعی و ارتباط مستمر و پیگیر آن‌ها با سازمان‌ها و نهادهای دولتی است.

مشارکت اجتماعی ساکنان برای حل مسائل محلات و نوع واکنش به آن دارای اهمیت است. در کشورهای پیشرفته یکی از نهادهایی که معمولاً در محله‌ها وجود دارند انجمن‌های داوطلبانه است. انجمن‌های داوطلبانه سازمان‌هایی هستند که افراد به‌آسانی و به صورت اختیاری و آگاهانه به آن‌ها می‌پیوندند. برخی از انجمن‌ها دارای دفاتر رسمی، انتخابات، قوانین، گردهمایی‌ها، خزانه‌داری و غیره هستند. این دسته از انجمن‌ها می‌کوشند شرایط مناطق مسکونی‌شان را از طریق تسریع روند نوسازی ساختمان‌های قدیمی‌تر یا اعمال نفوذ در بانک‌ها و سازمان‌های مالی که در منطقه مسکونی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. بهبود بخشنده. بیشتر این انجمن‌ها به اهدافی چون بهبود وضعیت مدارس، زمین‌بازی و اجرای قوانین می‌پردازند. در بیشتر موارد انجمن‌های داوطلبانه محلی با دولت و سازمان‌های اداری-تجاری همکاری دارند. در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه، مسئله مشارکت در امور محلی دچار مشکل است. به همین دلیل، گسترش، تقویت و ترغیب مردم در مشارکت برای اداره محله‌هast: بنابراین، نیاز به مشارکت در اداره اجتماع محلی جدی است (معمار، ۱۳۹۰).

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی است و به لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی است. روش تحقیق، روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری تحقیق ۵۰ نفر از میان ساکنان ۱۵-۶۵ سال محله برج قربان همدان می‌باشند. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده و در دسترس صورت گرفته است. در پژوهش حاضر به منظور دسترسی به علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی از پرسشنامه‌ای با ۲۶ گویه به صورت پنج درجه‌ای (خیلی کم تا بسیار زیاد) به گویه‌ها پاسخ داده می‌شود. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات از نرم‌افزار spss استفاده شده است. روش آزمون و بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از آماره استیوونت (t)، همبستگی و رگرسیون می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه که به محله برج قربان معروف است در رینگ دوم شهر همدان قرار دارد. این سایت به واسطه قرارگیری برج قربان در آن به عنوان محدوده‌ای تاریخی شناسایی شده و در نقشه‌ها نیز با این عنوان مطرح می‌گردد. این محدوده با خیابان تختی، خیابان طالقانی، بلوار مدنی و خیابان پازدنه فورودین مخصوص می‌گردد و میدان بوعلی سینا و فله فردوسی به عنوان دو رأس سایت و چهارراه تختی و تقاطع بلوار پازدنه فورودین با خیابان طالقانی نیز به عنوان دو رأس دیگر سایت قابل مشاهده می‌باشد. این سایت دارای جمعیت ۴۰۳۷ نفر و مساحتی حدود ۲۵۰۰۰۰ متر مربع می‌باشد. این محدوده دارای طول شمالی ۴۶۵ متر و طول جنوبی ۷۷۲ متر و نیز عرض شرقی ۲۵۶ متر و عرض غربی ۵۵۳ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱- تعامل اجتماعی در این محله در سطح پایینی است.

میانگین پاسخ‌های مربوط به تعامل اجتماعی $t = 2/66$ است که با استفاده از آزمون t تک گروهی با میانگین مورد انتظار 3 مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

جدول ۱- وضعیت تعامل اجتماعی ساکنین

متغیر مورد مطالعه	تعداد	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد انتظار	t	Df	sig
تعامل اجتماعی	۵۰	۲/۶۶	۳	-۱/۹۲	۴۹	۰/۰۶۱

با توجه به داده‌های مندرج در جدول ۱، ($t = -1/92$ و $sig = 0/061$) که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میانگین پاسخ‌ها با میانگین مورد انتظار وجود ندارد بنابراین میزان تعامل اجتماعی ساکنین در حد متوسط است.

فرضیه ۲- وضعیت امکانات رفاهی در سطح مناسبی قرار ندارد.

میانگین پاسخ‌ها در زمینه خرده مقیاس‌های امکانات رفاهی (امنیت، اوقات فراغت، نشاط و سرگرمی، احساس هویت، کیفیت محیط شهری، فضاهای فرهنگی، رضایتمندی و گردشگری) محاسبه شده است و با استفاده از آزمون t تک گروهی با میانگین مورد انتظار 3 مورد مقایسه قرار می‌گیرد، داده‌های مربوطه در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- وضعیت امکانات رفاهی ساکنین

متغیرهای مورد مطالعه	تعداد	میانگین پاسخ‌ها	میانگین مورد انتظار	t	df	sig
امنیت	۵۰	۳/۹۴	۳/۹۵	۶/۹۵	۴۹	۰/۰۰۰۱
اوافت فراغت	۵۰	۱/۸۴	۳/۲۱	-۸/۴	۴۹	۰/۰۰۰۱
نشاط و سرگرمی	۵۰	۳/۳۹	۳/۴۹	-۳/۴۹	۴۹	۰/۰۰۲
احساس هویت	۵۰	۳/۴۲	۳/۴۹	-۳/۴۹	۴۹	۰/۰۰۱
کیفیت محیط شهری	۵۰	۲/۵۸	۳/۴۹	-۴/۱۳	۴۹	۰/۰۰۰۱
فضاهای فرهنگی	۵۰	۲/۸۶	۳/۴۹	-۱/۱۲	۴۹	۰/۲۷
رضایتمندی	۵۰	۲/۷	۳/۴۹	-۲/۷۹	۴۹	۰/۰۰۷
گردشگری	۵۰	۲/۴۹	۳/۴۹	-۴/۱۳	۴۹	۰/۰۰۰۱

با توجه به داده‌های جدول ۲، مقادیر آماری آزمون در مورد وضعیت امنیت، نشاط و سرگرمی و احساس هویت به ترتیب ($t = 6/95$ و $sig = 0/0001$)، ($t = 3/21$ و $sig = 0/0001$)، ($t = 3/42$ و $sig = 0/0001$) می‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میانگین به دست آمده این متغیرها با میانگین مورد انتظار یعنی 3 وجود دارد و میانگین به دست آمده پاسخ‌ها از میانگین آزمون بیشتر می‌باشد یعنی وضعیت امنیت، نشاط و سرگرمی و احساس هویت ساکنین محل بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

مقادیر آماری آزمون در مورد اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری، رضایتمندی و گردشگری به ترتیب ($t = 8/4$ و $sig = 0/0001$)، ($t = 2/49$ و $sig = 0/0001$)، ($t = 2/58$ و $sig = 0/0001$) و ($t = 3/94$ و $sig = 0/0001$) می‌باشد.

(sig = .000+) می باشد که نشان می دهد، تفاوت معناداری بین میانگین متغیرهای مورد مطالعه با میانگین مورد انتظار وجود دارد و میانگین های به دست آمده کمتر از میانگین مورد انتظار است؛ بنابراین وضعیت اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری، رضایتمندی و گردشگری ساکنین محل پایین بر از حد متوسط است.

مقادیر آماری آزمون در مورد متغیر فضاهای فرهنگی ($t = -1/12$ و $\text{sig} = .026$) می‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میانگین به دست آمده پاسخ‌ها یعنی $2/86$ با میانگین مورد انتظار وجود ندارد؛ بنابراین وضعیت فضاهای فرهنگی محل موردمطالعه در حد متوسط می‌باشد.

فرضیه ۳- بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی ساکنین از ماتریس همبستگی استفاده شده است، جدول ۳ نتایج تحلیل را نشان می دهد.

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین امکانات رفاهی با تعامل اجتماعی ساکنین

متغیرهای مورد مطالعه	شاخص‌های آماری	تعامل اجتماعی
امنیت	ضریب همبستگی	-۰/۰۸۵
	معناداری	+۰/۵۶
	تعداد	۵۰
نشاط اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰/۱۹
	معناداری	+۰/۱۷
	تعداد	۵۰
احساس هویت	ضریب همبستگی	+۰/۹۲
	معناداری	+۰/۵۳
	تعداد	۵۰
اوقات فراغت	ضریب همبستگی	+۰/۰۸۸
	معناداری	+۰/۵۴
	تعداد	۵۰
کیفیت محیط شهری	ضریب همبستگی	+۰/۳۵
	معناداری	+۰/۰۱۴
	تعداد	۵۰
فضاهای فرهنگی	ضریب همبستگی	+۰/۳۲
	معناداری	+۰/۰۲۲
	تعداد	۵۰
رضایتمندی	ضریب همبستگی	+۰/۴۵
	معناداری	+۰/۰۰۱
	تعداد	۵۰
گردشگری	ضریب همبستگی	+۰/۲۷
	معناداری	+۰/۰۵۷
	تعداد	۵۰

در راستای پاسخگویی به فرضیه سوم پژوهش نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۳ نشان داده است که از بین متغیرهای موردمطالعه، کیفیت محیط شهری، فضاهای فرهنگی و رضایتمندی با تعامل اجتماعی ساکنین رابطه معنادار مثبت دارد.

مقادیر آماری آزمون به ترتیب ($r = .35$, $sig = .035$) و ($r = .22$, $sig = .022$) است.

فرضیه که امکانات رفاهی توان افزایش تعامل اجتماعی ساکنین را دارد.

برای بررسی این فرضیه از نتایج تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ۴- فهرست متغیرهای وارد شده در تحلیل متغیرهای امکانات رفاهی بر تعامل اجتماعی ساکنین

متغیرهای پیش‌بینی وارد شده	متغیر ملاک	روش	گام به گام	تعامل اجتماعی
رضایتمندی	رضایتمندی			

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که فقط متغیر رضایتمندی وارد تحلیل رگرسیون گام به گام شده است.

جدول ۵- خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای امکانات رفاهی بر تعامل اجتماعی ساکنین

متغیر	R	R ²	AR ²	SE
رضایتمندی	۰/۴۵	۰/۲	۰/۱۸	۱/۱۳

در راستای پاسخگویی به این فرضیه پژوهش نتایج مجذور تبدیل شده ضریب همبستگی پیرسون چندگانه نشان می‌دهد که بر پایه این مدل رضایتمندی ۰/۱۸ درصد از واریانس تعامل اجتماعی ساکنین را تبیین می‌کند بنابراین می‌توان گفت، رضایتمندی توان تبیین تعامل اجتماعی ساکنین را دارد.

جدول ۶- خلاصه تحلیل واریانس برای آزمون معناداری مدل رگرسیون متغیرهای پیش‌بینی و ملاک

P	F	M.S	d.f	S.S	منبع تغییرات
		۱۵/۴۶	۱	۱۵/۴۶	رگرسیون
۰/۰۰۱	۱۲/۰۱۸	۱/۲۹	۴۸	۶۱/۷۶	باقي‌مانده
		۴۹	۷۷/۲۲		کل

** P < ۰/۰۱

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بر پایه این مدل رضایتمندی ($F(1,49) = 12/0.18 < 0.01$)؛ به طور معناداری توانایی پیش‌بینی تعامل اجتماعی ساکنین را دارد.

جدول ۷- ضرایب رگرسیون پیش‌بینی (رضایتمندی) تعامل اجتماعی ساکنین

P	t	Beta	SE	B	ضریب
۰/۲۷	۱/۱		۰/۵۹	۰/۶۶	ثابت
۰/۰۰۱	۳/۴۷	۰/۴۵	۰/۲۱	۰/۷۴	رضایتمندی

** P < ۰/۰۱

نتایج جدول ۷، با ملاحظه وزن استاندارد شده بنا بر پایه این مدل نشان می‌دهد که یک انحراف معیار تغییر رضایتمندی باعث ۰/۴۵ انحراف معیار تغییر در تعامل اجتماعی ساکنین می‌شود.

ازین رو طبق مدل دوم معادله پیش‌بینی کننده تعامل اجتماعی ساکنین را می‌توان این‌گونه نوشت:

$$y' = a + b_1 x_{12}$$

در معادله مذکور:

y' = پیش‌بینی تعامل اجتماعی ساکنین؛

a = ضریب ثابت که مقدار آن ۰/۶۶ است.

b_1 = ضریب رضایتمندی که مقدار آن ۰/۷۴ است.

x_1 = نمره رضایتمندی است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف شناسایی عوامل مؤثر در تقویت تعاملات اجتماعی ساکنین محلات مسکونی صورت گرفته است و نهایتاً سعی شد عوامل مؤثر بر ارتقا تعاملات معرفی گردد. همان‌طور که به آن اشاره شد صاحب‌نظران درزمنه تعامل اجتماعی بر نقش فضاهای عمومی در ایجاد تعاملات سالم تأکید می‌کنند و بر این باورند که بیش از هر عامل دیگری حضور سایر افراد در فضاست که مردم را به خود جذب می‌کند. از طرفی جنبه‌های اجتماعی و فعالیت جاری در کنار ابعاد شکلی و زیبایی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی شناخته شده است. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی عبارت‌اند از قلمرو، ازدحام، خلوت، حس تعلق، امنیت اجتماعی- محیطی، حس مکان، اجتماع‌پذیری فضاء، اعتماد اجتماعی، مشارکتی بودن فضاء، مراسم مذهبی، طبقه اجتماعی و پایگاه اقتصادی، وجود انواع فضاهای عمومی و پاتوق در محله، فاصله دسترسی و نوع و میزان مراجعه ساکنین از منابع مختلف استخراج شد. در مطالعه حاضر در سطح محله برج قربان تعامل اجتماعی ساکنین در سطح متوسطی قرار داشته و وضعیت امنیت، نشاط و سرگرمی و احساس هویت ساکنین محل بالاتر از حد متوسط است و ضعیت اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری، رضایتمندی و گردشگری ساکنین محل پایین‌تر از حد متوسط است. با افزایش امنیت، کیفیت اوقات فراغت، کیفیت محیط شهری و افزایش رضایتمندی می‌توان تعامل اجتماعی را افزایش داد. با تعبیه یک پارک و یا فرهنگ‌سرا به راحتی می‌توان شاهد افزایش تعامل در سطح محله باشیم همچنین برای افزایش صنعت توریسم و گردشگری باید تبلیغات مناسبی در سطح شهر انجام گردد و برنامه‌های گردشگری و توریستی برای افزایش بازدید از این محله تاریخی تعبیه گردد.

منابع

- الیاس زاده مقدم، س.ن. و خابطیان، ا. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، ۴۳-۵۶.
- رفیعیان، م. و خدائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، ۵۳، ۲۲۷-۲۴۸.
- غفوریان، م. و حصاری، ا. (۱۳۹۳). بررسی نقش مرکز محلات برافزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ نمونه موردی مرکز محله کوتی بوشهر.
- قبران، ع. و جعفری، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی نمونه موردی؛ محله در که تهران. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۵۷-۵۴.
- کاشانی جو، خ. (۱۳۸۹). بازناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. نشریه هویت شهر، سال چهارم، ۶، ۹۵-۱۰۶.
- مسعودی، ک. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی شهری جایگاه تعامل اجتماعی. نشریه شهرداری‌ها، سال سوم، ۲۶.
- معمار، ث. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناسی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای. مجله مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، ۱۱۰-۷۱۳.
- Lelevrier, Ch. (2013). Social mix neighbourhood policies and social interaction: The experience of new renewal developments in France. Cities, 35, 409-416.